



مجموعه پرسش و پاسخ انقلاب اسلامی (۲)



بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای
آنها پرسش است. پس بپرسید- خداوند شما را رحمت کند-
که در این بین چهار تن اجر برند:
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليه السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات
یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.





استکبار ستیزی

مجموعه پرسش و پاسخ انقلاب اسلامی (۲)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

استکبار ستیزی

حجت الاسلام روح اله جلالی

پژوهشگر

حجت الاسلام جواد مرادی

مصحح و ناظر

مرداد ماه ۱۴۰۱

چاپ اول



فهرست مطالب

مقدمه	۶
۱. آمریکاستیزی یا استکبارستیزی	۸
۲. دوری از استکبار یا لج بازی	۳۷
۳. هزینهٔ تنش با اسرائیل	۴۲
۴. استکبارستیزی و راهپیمایی	۴۹
کتابنامه	۵۹



مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان متخصص و باتجربه و با رویکرد تخصصی در امر پاسخگویی، در رشته‌های قرآن و حدیث، کلام و اعتقادات، تاریخ، اخلاق و تربیت، مشاوره و احکام شرعی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را پاسخ گفته است. پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش پاسخگویی، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که با توجه به توصیه‌ی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای حفظه الله تعالی علیه، بر آن شد تا مجموعه‌ی پرسش و پاسخ‌ها را به صورت محصولات متعددی در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند.

اثر حاضر حاوی چند پرسش و پاسخ با عنوان «استکبار ستیزی». رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.

در پایان لازم می‌دانم از کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه نقش ایفا کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم.



مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



۱. آمریکاستیزی یا استکبارستیزی

پرسش:

مشکل ایران با آمریکا چیست؟ چرا آمریکاستیزی و تحریک آمریکا را رها نمی‌کنیم و شر این همه هزینه را از سر مردم دفع نمی‌کنیم؟

پاسخ:

مقدمه

بسیاری معتقد هستند که از آنجا که آمریکا در تحولات سیاسی و اقتصادی جهانی اثرگذاری ویژه و غیرقابل انکاری دارد، ایران با تداوم دشمنی و ادامه زست آمریکاستیزی خود، هزینه سرسام‌آوری را متحمل گردیده و ضربات جبران‌ناپذیری را به ملت خود وارد ساخته است. ایران مدام در حال تحریک آمریکا و اصرار به تداوم دشمنی است. در واقع آمریکاستیزی ایران یک لجاجت‌بازی تلخ برای ملت ایران است.

۱. ایالات متحده آمریکا به نحوی در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جهان قدرت خود را توسعه داده و به عنوان نیروی اول مطرح کرده است که بخش بزرگی از معادلات جهانی را با بازیگری و مدیریت انفرادی تعیین می‌کند. مثلاً آمریکا بزرگ‌ترین ارتش جهان را دارا است و یا طبق توافق برتون و وودز، دلار آمریکا ارز ذخیره جهانی است.



با بیان این مقدمه به پاسخ این شبهه می پردازیم.

۱. ایران معتقد به آمریکاستیزی نیست، بلکه معتقد به استکبارستیزی^۱ است. ۲. عنوان آمریکاستیزی به دو دلیل با استکبارستیزی جابجا شده است. یکی اینکه در زمان فعلی، دولت ایالات متحده آمریکا نماد استکبار برای جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل این دو عنوان، همسان پنداشته شده و در نگاه برخی در حد لجاج بازی با یک کشور تقلیل یافته است. وگرنه در زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران،^۳ نماد استکبار،

۱. مقابله با خودتریبینی کاذب و قلدرمآبانه دیگران استکبارستیزی است. این خودتریبینی از استکبار در مقابل خدا تا استکبار در مقابل بندگان خدا قابل تفسیر است. یکی از نمونه‌های استکبار، قلدرمآبی ابرقدرت‌های جهانی در مقابل ملت‌های ضعیف‌تر است. دولت‌های استکباری به خود حق می‌دهند که طبق مصالح و منافع خود در سرنوشت سایر کشورها دخالت کنند.

۲. مقام معظم رهبری: «مسأله، مسأله‌ی مبارزه با استکبار است. مبارزه‌ی با آمریکا به‌خاطر این است که امروز مظهر استکبار در دنیا، رژیم آمریکاست، و الاً اگر آمریکا به‌عنوان یک دولت، روش‌ها و هدف‌های استکباری را نداشت، برای ما مثل بقیه دولت‌ها بود؛ لیکن امروز دولت و رژیم امریکا در این دوره از زمان، مظهر کامل استکبار است.»! «خامنه‌ای، علی، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۴/۸/۱۳۷۶ ش، <https://khl.ink/f/۹۹۴۵>

۳. نهضت ملی شدن صنعت نفت، تلاش‌های ملت ایران برای کنار زدن سلطه غیرعادلانه دولت انگلستان بر منابع عظیم نفتی ایران بود که در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ با تصویب قانون ملی شدن نفت به اوج خود رسید و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و قلع و قمع رهبران نهضت پایان



دولت انگلستان بود. در زمان فتحعلی شاه قاجار و قتل گریبایدوف توسط مردم^۱ هم نماد استکبار برای ایرانیان دولت تزاری روسیه بود. اما از زمان پهلوی دوم و به خصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آمریکا برای ایرانیان، نماد تام و تمام استکبار گردید.

اما دلیل دوم این یکسان‌پنداری، تبلیغات غیرحرفه‌ای برخی استکبارستیزان است. به جای آنکه با رویکردی زیربنایی و پیشینی به تبیین و ترویج مفهوم استکبارستیزی پردازند تا برای بخش بزرگ‌تری از

گرفت. (ر.ک.: دکتر محمدحسن سالمی، تاریخ نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران از نگاهی دیگر، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

۱. الکساندر سرگیویچ گریبایدوف (۱۷۹۵م - ۱۸۲۹ه یا ۱۲۰۷ ش)، نویسنده، شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و سفیر کبیر روسیه تزاری در ایران که به عنوان تدوین‌کننده و مجری معاهده ترکمنچای شناخته می‌شود. گریبایدوف چندین بار به عنوان سفیر روسیه به ایران سفر کرد و در آخرین سفر خود، مامور تدوین و اجرای معاهده ترکمنچای بود. به استناد مفاد ماده سیزدهم عهدنامه ترکمنچای (بازگشت مردم سرزمین‌های جدا شده از ایران، به آن مناطق بود)، وی ماموریت داشت مردم و زنان گرجی که بسیاری از آنان مسلمان شده و با ایرانیان در عقد ازدواج بودند و همچنین زنان ارمنی را به عنوان اسرای روسی، به روسیه برگرداند؛ این کار، خشم علما و مردم تهران را برانگیخت و با دعوت میرزاسیخ مجتهد مردم اجتماع کرده و توسط نیروهای روس سه نفر از مردم به قتل رسیدند و در نهایت مردم نیز به سفارت روسیه حمله کرده، گریبایدوف و چند تن دیگر را به قتل رساندند. (علی حائری، روزشمار شمسی، قم، انتشارات دفتر عقل، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۷۹۸).



جامعه، نمادها به صورت خودکار واضح تر شود، با رویکرد پسینی و مصداقی، استکبارستیزی را در حد آمریکاستیزی در افکار عمومی تقلیل داده‌اند.

۲. اما چرا آمریکا برای ما نماد استکبار است یا به عبارتی مشکل ما با آمریکا چیست و چرا ما آمریکا را رها نمی‌کنیم؟

آمریکا نه برای ما، بلکه برای جامعه جهانی نماد استکبار و تحمیل سلطه از راه زور و تجلی مفهوم امپریالیسم^۱ است. ماهیت آمریکا با تجاوز و قتل و غارت شکل گرفته است. از زمانیکه کشورهای استعمارگر مانند انگلستان، فرانسه، پرتغال و اسپانیا سیطره خود بر قاره آمریکا را افزایش داده و آمریکایی جدید را تأسیس کردند، خصوصاً از نیمه دوم قرن نوزدهم، به نسل‌کشی، کشتار سرخپوست‌ها و بومیان آن سرزمین و کوچاندن اجباری آنان روی آوردند.^۲ جنگ‌ها و حملات آمریکا به

۱. امپریالیسم به نظامی گفته می‌شود که به دلیل مقاصد اقتصادی یا سیاسی می‌خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین‌ها و ملت‌ها و اقوام دیگر را زیر سلطه خود درآورد. (داریوش آشوری، *دانشنامه سیاسی*، تهران، نشر مروارید، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۷ش، ص ۲۷).

۲. در این مسیر، جنگ‌های آمریکا با اولین حمله به سرخپوستان در شهر جیمز تاون در سال ۱۶۶۲ میلادی آغاز شد که به دنبال آن جنگ با سرخپوستان آلوکین طی سال‌های ۱۶۳۵ و ۱۶۳۶ و جنگ سال‌های ۱۶۷۵ و ۱۶۷۶ که منجر به ویرانی نیمی از شهرهای ماساچوست شد را در پی داشت.



سرخپوستان تا سال ۱۹۰۰ ادامه داشت. در مجموع آمریکایی‌ها حدود ۱۲ میلیون سرخ‌پوست را به قتل رساندند.^۱ در طی همین مسیر نیز، آمریکا بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی با ۱۵ میلیون برده آفریقایی که به خاک آمریکا آورده بود، آمریکای جدید را ساخت. این شکل‌گیری ماهیت این دولت استکباری است.

پس از آن که دولت و ملتی با این پیشینه در آمریکا شکل گرفت، ایالات متحده برای تحمیل اراده خود بر سایر کشورهای جهان، تا امروز از هیچ شیوه‌ای برای ارباب جامعه جهانی فروگذار نکرده است. آمریکا فصل جدید خود در عرصه بین‌المللی را در جنگ جهانی دوم و با فروش گسترده سلاح به تمام طرف‌های جنگ و سپس با بمباران شوکه‌کننده اتمی ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم و سوزاندن چندصد هزار نفر از غیرنظامیان آغاز کرد و وحشت و هژمونی تهدید را بر سراسر جهان حکم‌فرما ساخت. بله آمریکا تنها کشوری است که ملتی را بمباران اتمی کرده است.^۲ سراسر تاریخ جهان در پنجاه تا صد سال اخیر، مملو از

۱. رک: منیر العکش، نسل‌کشی سرخ‌پوستان آمریکا یا حق قربانی کردن دیگران، ترجمه حسن خامه‌یار، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵ ش.

۲. آمریکا، نه تنها از این اقدام شرمنده نیست بلکه آن را عملی لازم برای پایان دادن به جنگ جهانی دوم و حتی خدمتی به بشریت معرفی می‌کند درحالی‌که این اتفاق بعد از سقوط دو قطب اصلی متحدین (ایتالیا و آلمان) و در اوج ضعف ژاپن و برای ارباب جامعه جهانی رخ



جنگ‌ها،^۱ تحریم‌های اقتصادی و کودتاهای آمریکایی به منظور دخالت آمریکا در سرنوشت سایر کشورها است.

از سیاست‌های مداخله‌جویانه و استکباری آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم؛ تسلط بر منابع نفتی کشورها و مناطق نفت‌خیز جهان،^۲ اختصاص بالاترین بودجه نظامی و راه‌اندازی بزرگ‌ترین ارتش جهان،^۳ حضور

داد. (ر.ک: سیلویالویز انگدال، *بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی (چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان ۲)*، ترجمه شهربانو صارمی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۹ش.)

۱. در همین همسایگی ما دو کشور پهناور عراق و افغانستان برای چنددهه توسط آمریکا اشغال گردید و بارها مورد حمله نظامی ایالات متحده آمریکا واقع شد.

۲. منابع نفتی مناطقی نظیر خاورمیانه و خلیج فارس به دلیل حجم بالای منابع ذخیره نفتی جهان (۶۶ درصد منابع نفت جهان)، ارزان بودن و حمل آسان به شدت مورد توجه آمریکا قرار گرفت و سهم مهمی در استراتژی انرژی ایالات متحده ایفا کرد. تحت این راهبرد شرکت‌های نفتی آمریکایی توانستند از طرق گوناگون عملاً کنترل بخش قابل توجه منابع نفتی کشورهای نظیر عربستان سعودی، عراق، امارات، عمان، قطر و ایران (قبل از انقلاب ۵۷) را بدست گیرند.

از جمله اقدامات آمریکا برای تسلط و نفوذ بر منابع نفتی که عمدتاً در مناطق بی‌ثبات به لحاظ سیاسی قرار گرفته بودند، مداخلات سیاسی و نظامی و به اجرا گذاشتن پروژه‌های مختلف در این مناطق بود. ارسال کمک و حمایت از کشورهای نفت‌خیز در راستای تسلط بر منابع نفتی از دیگر سیاست‌ها و اقداماتی بود که در این زمان در پیش گرفته شد.

۳. آمریکا با اختصاص بیش از ۷۷۰ میلیارد دلار بودجه به بخش نظامی خود (در سال ۲۰۲۱)، به تنهایی و با اختلاف بالاترین بودجه نظامی را در میان دیگر کشورهای جهان داراست. رقم



نظامی و توسعه پایگاه‌های نظامی در سراسر جهان،^۱ مداخلات در امور دیگر کشورها از طریق جنگ و مداخله نظامی،^۲ کودتا^۳ و راه اندازی

بودجه نظامی آمریکا حدوداً برابری می‌کند با بودجه نظامی ۱۱ کشور شامل چین، هند، روسیه، انگلستان، عربستان سعودی، فرانسه، ژاپن، کره جنوبی، ایتالیا و استرالیا. تعداد نیروهای مسلح آمریکا نیز نزدیک به سه میلیون نفر است که حدود ۶۰۰ هزار نفر از آنها نیروی ذخیره هستند که نسبت به میانگین نیروهای ذخیره دیگر کشورها، ۶۰ درصد بیشتر است.

۱. عمر دولت ایالات متحده آمریکا هنوز به ۲۵۰ سال نمی‌رسد اما حدود ۹۳ درصد تاریخ این دولت، در جنگ و حمله نظامی به سایر کشورها در ۲۲۷ جنگ سپری شده است. تنها از سال ۱۹۱۹م، یعنی صد سال گذشته، بیش از چهل جنگ و حمله نظامی مستقیم به سایر کشورها را در کارنامه خود دارد.

حدوداً ۷۵۰ پایگاه نظامی در ۸۰ کشور در سراسر جهان با ۱۷۹ هزار نیروی نظامی دارد که این امر از وی یک تهدید ترسناک برای تمام کشورها ساخته است.

۲. آمریکا در قرن گذشته، فقط در منطقه آمریکای لاتین بیش از ۵۶ مورد مداخله مستقیم نظامی و اطلاعاتی را در کشورهای این منطقه به نام خود ثبت کرده است.

۳. آمریکا خصوصاً در قرن اخیر بدنبال تصاحب و کنترل منابع و ثروت‌های کشورهای هدف یا تامین اهداف ژئوپولیتیک، با مداخله در امور دیگر کشورها، حکومت‌های غیر همسو با خود را به طرق مختلف از قبیل جنگ، کودتا و انقلاب کنار زده و یا بالعکس از حکومت‌ها و دیکتاتورهای همسو با خود مانند عربستان دفاع کرده است. مداخله‌های ایالات متحده آمریکا در امورات داخلی دیگر کشورها از قرن ۱۹ آغاز شد و شامل کلیه تلاش‌های علنی و مخفیانه (نظامی، سیاسی، اطلاعاتی) با هدف تغییر نظام یا جایگزینی یا حفظ دولت‌ها و افراد مدنظر در دیگر کشورهای جهان در راستای تامین منافع آمریکا می‌شود. این روند باعث



انقلاب، مداخله در انتخابات،^۱ فروش تجهیزات جنگی به طرفین تنش‌ها و جنگ‌ها و ایجاد یک ثروت بی‌نظیر از خونریزی در سراسر دنیا برای

شد تا در قرن ۲۰ میلادی، آمریکا در کشورهای بسیاری نظیر پاناما، هندوراس، نیکاراگوئه، مکزیک، هائیتی و جمهوری دومینیکن، دولت‌های دوست و حامی خود را مستقر کرده یا به حکومت این کشورها طبق خواست خود شکل دهد. از مهم‌ترین عملیات‌های این دوره می‌توان به کودتای ۲۸ مرداد با هدف تغییر نظام دموکراتیک ایران و روی کار آوردن محمد رضا پهلوی، عملیات خلیج خوک‌ها با هدف تغییر نظام کوبا و به زیر کشیدن فیدل کاسترو، حمایت از کشتار جمعی ضدکمونیستی اندونزی در دهه ۱۹۶۰ و پشتیبانی از جنگ کثیف ((به اسپانیایی: Guerra Sucia) در آرژانتین اشاره کرد.

۱. برای نمونه می‌توان به مداخله در انتخابات ژاپن در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای حفظ حزب مورد نظر خود در قدرت به وسیله کمک‌های مالی مخفیانه، در فیلیپین برای پیشبرد کمپین ریاست جمهوری رامون ماگسایسای در سال ۱۹۵۳ و در لبنان برای کمک به احزاب مسیحی در سال ۱۹۵۷ اشاره کرد. ایالات متحده در بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۲۰۰۰ حداقل ۸۱ عملیات مخفی یا آشکار برای مداخله در نتیجه انتخابات سایر کشورها انجام داده است.



خود، تسلط بر بازارهای فرهنگی جهان و افزایش قدرت نرم^۱ و در نهایت تبدیل شدن آمریکا به مقصد اول مهاجران و جذب نخبگان سراسر دنیا

۱. بخش بزرگی از اقتصاد آمریکا وابسته به تولید و فروش سلاح است. این یک واقعیت است که بخش قابل توجهی از اقتصاد آمریکا، وابسته به صنایع تسلیحات نظامی است. در سال ۲۰۱۸ میلادی ۱۶ و چهار دهم درصد از اقتصاد آمریکا به وسیله فروش جنگ افزار تامین شد. تامین مخارج در ۳ ایالت کارولینای شمالی، اوهایو و ماساچوست به فروش جنگ افزارهای تولیدی وابسته است و تقریباً ۱۰ میلیون آمریکایی به صورت مستقیم و غیر مستقیم شغلی در ارتباط با صنعت تولید ادوات و تجهیزات جنگی دارند. این وابستگی اقتصاد آمریکا به صنایع نظامی منجر شده تا آمریکا همواره نیاز به فرصت‌ها و بهانه‌هایی برای فروش تسلیحات خود به دیگر کشورهای جهان داشته باشد. آن‌ها یا این فرصت‌ها را خود خلق می‌کنند (راه‌اندازی جنگ) و یا شرایطش را برای دیگران محیا می‌کنند (حمایت از تنش‌ها و درگیری‌ها و کارشکنی در حل اختلافات).

در این رابطه می‌توان به فروش سلاح به نیروهای شورشی مخالف دولت‌ها در کشورهای نظیر: اریتره، سومالی، اتیوپی، مصر، سوریه، افغانستان و ... و فروش سلاح به منظور محافظت از یک کشور در برابر سایر کشورها مانند: فروش سلاح و تجهیزات نظامی به تایوان در مقابل چین، عربستان در مقابل ایران، اکراین در مقابل روسیه، کره جنوبی در مقابل کره شمالی و ... و فروش سلاح به کشورهای در حال جنگ مانند: عربستان در جنگ با یمن، بوسنی و هرزگوین در جنگ با صربستان، افغانستان در جنگ با شوروی و فروش سلاح به عراق در مقابل ایران که به اقتصاد آمریکا در دهه ۸۰ میلادی کمک کرد تا مسئله بیکاری و رکود را مرتفع کند، اشاره کرد.



بسیاری از اوقات بر اثر نابسامانی کشورشان در پی سیاست‌های خود آمریکا است.^۲

۱. بی‌شک یکی از دلایل ابرقدرت شدن آمریکا، قدرت‌نمایی و یکه‌تازی این کشور در عرصه قدرت نرم و صنعت فرهنگ است. آمریکا توانست از طریق صنعت سینما (هالیوود) و صنعت موسیقی، بازارهای فرهنگی و به تبع آن سلاقی و سبک زندگی مردمان کشورهای جهان را از آن خود کند. یعنی بخش بزرگی از توسعه پایدار قدرت آمریکا در جهان، مرهون قدرت نرم این کشور است.

برتری آمریکا در عرصه سینما و موسیقی و بصورت کلی صنایع فرهنگی علاوه بر منافع هنگفت اقتصادی، برای آمریکا مطلوبیت بالای فرهنگ و سبک زندگی را در اقصی نقاط جهان به ارمغان آورد و به تبع آن تصویر بین‌المللی آمریکا را ارتقا بخشید. تصویر «سرزمین رؤیاهای»، «رهبر منجی جهانی»، «سرزمین فرصت‌ها»، «سرزمین آزادی»، «سرزمین رفاه و کامیابی» نمونه بارز تصاویری است که آمریکا توانست از طریق هالیوود برای خود در افکار مردم سراسر جهان ایجاد کند. بخش بزرگی از خاطرات عاطفی و فکری مردم جهان با فیلم‌های مهیج و جذابی شکل گرفته بود که یادآور آمریکای رویایی بود. این امر برای آمریکا دو دستاورد مشخص داشت: افزایش قدرت، مطلوبیت و نفوذ آمریکا در کشورهای دیگر جهان و سیل مهاجران و نیروی کار به آمریکا برای دستیابی به زندگی بهتر.

۲. یکی از عوامل اصلی افزایش قدرت آمریکا تبدیل شدن این کشور به مقصد اول مهاجران شامل دانشمندان، نخبگان و نیروی کار متخصص است. این واقعیت سبب شده آمریکا در قرن گذشته همواره به منابع نیروی انسانی باکیفیت از اقصی نقاط جهان دسترسی داشته باشد و همین امر یکی از دلایل اصلی برتری علمی و تفوق تکنولوژی آمریکا در جهان و به تبع آن رشد اقتصاد و قدرتمند شدن این کشور شده است. بسیاری از پیشرفت‌های تکنولوژیک و راهبردی منجر به افزایش قدرت آمریکا مرهون همین مهاجران بوده است. مثلاً بمب اتم را



با این اوصاف تاریخچه استکباری آمریکا بر علیه ملت ایران، حتی بسیار کم‌رنگ‌تر از تاریخچه استکباری آن بر علیه جهان است.

۳. اما با نگاهی به گذشته روابط میان ایران و آمریکا درمی‌یابیم که این ما نیستیم که آمریکا را رها نمی‌کنیم بلکه این آمریکا است که ما و سایر کشورها را رها نمی‌کند.

این ما نیستیم که باید دست از سر آمریکا برداریم بلکه این آمریکا است که دست از سر ما بر نمی‌دارد. آمریکا هیچ‌وقت در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی و در تداوم هژمونی خود، دست از سر ما و سایر کشورها بر نداشته و بر نخواهد داشت. اصولاً در منطق امپریالیستی، کشور مستقل معنایی ندارد. یا با من همراهی خواهی کرد و یا با برخورد مواجه خواهی شد. البته میزان این برخورد با توجه به قدرت کشور مقابل تعیین می‌شود. حتی کنار کشیدن و استقلال نسبی هم قابل تحمل نیست. یعنی باید تو لاقفل، مانعی بر سر سلطه‌جویی و دخالت‌های واضح او در منطقه و کشورت و آنچه بر سر تو و دیگران می‌آید نباشی.

یک مهاجر یهودی-آلمانی به نام رابرت اوپنهاইمر با کمک یک مهاجر ایتالیایی به نام انریکو فرمی اختراع کردند. هم‌چنین دانشمندان تاریخ‌سازی نظیر انیشتین از جمله این مهاجران بودند. بر اساس گزارش Forbes از سال ۲۰۰۰، ۴۰٪ جوایز نوبل توسط آمریکایی‌هایی در زمینه‌هایی مثل شیمی، پزشکی و فیزیک دریافت شد (۳۱ از ۷۸ تا) که مهاجر بودند. (آمریکا چگونه به یک ابرقدرت جهانی تبدیل شد؟ <https://usfacts.ir/۱۳۹۷/۰۷>)



نگاهی به گوشه‌هایی از دخالت آمریکا در ایران به وضوح، دلیل استکبارستیزی ایرانیان در رابطه با آمریکا را مشخص می‌سازد. آمریکا در جهت شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت، با انگلستان در تحریم سخت اقتصادی ایران که از عوامل اصلی در زمینه‌سازی شکست نهضت محسوب می‌گردید شریک شد و در عین اینکه مزورانه خود را تکیه‌گاهی برای دولت ملی دکتر مصدق نشان می‌داد از پشت به دولت و ملت ایران خنجر زد و با طراحی و حمایت واضح از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، زمینه ظهور یک حکومت خودکامه و وابسته مضاعف را در ایران فراهم ساخت.^۱

۱. ر.ک: غلامرضا وطن‌دوست، *اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد و براندازی دکتر مصدق*، با مقدمه دکتر همایون کاتوزیان، تهران، انتشارات رسا و یرواند آبراهامیان، *کودتا (۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی و مارک گازیوروسکی و مالکوم برن، *مصدق و کودتا*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، انتشارات قصیده‌سرا.



آمریکا در راستای زیاده‌طلبی‌های خود، مستشاران خود را به عنوان مردم برتر^۱ به ایران فرستاد و سفره بزرگی برای ده‌ها هزار مستشار^۲ کم‌خاصیت

۱. در فیش حقوقی مستشاران نظامی آمریکا در رژیم پهلوی، ستونی به نام «حق توحش» درج شده بود. در مراکز تفریحی آمریکایی هم بعضاً توهین‌های سنگینی به ایرانیان مشاهده می‌شد از جمله نوشته سر در یک کافه آمریکایی در آبادان که ورود ایرانی و سگ را ممنوع اعلام کرده بود.

۲. در زمان حکومت پهلوی دوم و به خصوص بعد از کودتای ۱۳۳۲، حضور مستشاران آمریکا در کشور بسیار جدی‌تر و پررنگ‌تر از حضور سایر مستشاران خارجی در دیگر ادوار تاریخ ایران می‌باشد. مستشاران نظامی آمریکا که با اشغال ایران توسط متفقین و در اثنای جنگ جهانی دوم وارد ایران شدند تا پیروزی انقلاب اسلامی و حتی تا چند ماه پس از آن نیز در ایران حضوری تأثیرگذار داشتند.

مستشاران آمریکایی از ابتدای حضورشان در ایران و به خصوص بعد از کودتای سال ۱۳۳۲ش، در امور مختلف نظامی و سیاسی کشور دخالت و نقش استعماری ایفا می‌کردند. سیاستمداران آمریکایی، مستشاران مورد نظر خود را کاملاً هدفمند و با برنامه به کشور ایران اعزام ساخته و در تمامی سازمان‌ها و نهادها و حتی وزارتخانه‌های مختلف مستقر می‌نمودند. لذا رد پای آنها در تمامی جایگاه‌ها دیده شده و قابل تشخیص می‌باشد. لیکن بنا به مقتضیات اهدافی که دنبال می‌نمودند، این حضور در بعضی از جایگاه‌ها همانند مؤسسات علمی - فرهنگی و دانشگاهی، سازمان برنامه و بودجه، بانک‌ها، شرکت نفت، شرکت گاز، سازمان هواپیمایی کشوری، وزارت کشاورزی، وزارت پست و تلگراف و تلفن و نیروهای مسلح بسیار ملموس‌تر و کاربردی‌تر می‌باشد. ضمن آنکه مستشاران نظامی، شاه را تشویق به خرید بی‌حد و حصر تسلیحات از آمریکا می‌نمودند.



دولتمردان آمریکایی مترصد آن بودند تا با استفاده از فرصت حضور گسترده مستشاران آمریکایی در ایران، به هر میزانی که قادر به انجام آن هستند، نفوذ خود را در بالاترین رده‌های دولت و به‌خصوص در حوزه ارتش، توسعه و افزایش دهند. با عنایت به رویکرد نظامی سیاست‌های محمدرضا پهلوی، کسب اخبار از اوضاع ارتش ایران، تربیت نظامیان ایران براساس آداب و فرهنگ آمریکایی، انطباق نظام آموزشی ایران با مدل آمریکایی، دخالت در تعیین و انتخاب فرماندهان عالی‌رتبه‌ی ارتش ایران، نفوذ کامل در ارتش ایران، اعمال نظر در سیاست‌های عمده‌ی کشوری و لشکری، دیکته و تحمیل نظرات خود به سران کشور و فرماندهان ارتش در تصمیم‌گیری‌های کلان و دخالت و اعمال نفوذ در امور خریدهای نظامی و تسلیحاتی ارتش ایران، از جمله اهدافی بود که مستشاران نظامی آمریکا در امور داخلی ایران دنبال می‌کردند و به طور رسمی در آن مداخله می‌نمودند. (رک: احیایی، زینب، *مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ش).

حضور مستشاران در ابتدا کم‌تعداد بود اما در سال‌های بعدی به صورت تصاعدی و خیره‌کننده افزایش یافت. به نحوی که هزینه تامین حقوق مستشاران آمریکایی رقمی نجومی و بالاتر از بودجه آموزش و پرورش و حتی ارتش بود. اختلاف ارقام درباره‌ی تعداد آمریکایی‌های مقیم ایران بین ۳۵ تا ۵۸ هزار نفر است. ژنرال رابرت هایزر (فرستاده نظامی کارتر به ایران)، تعداد آمریکایی‌ها را در اوایل اکتبر ۱۹۷۸، حدود ۵۸ هزار نفر دانسته است. (هایزر، رابرت، *مأموریت در تهران*، ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵ش، ص ۵۴) کریستن دلانوآ (محقق فرانسوی)، تعداد آمریکایی‌ها را در سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۵۵ هزار نفر ذکر کرده است. (دلانوآ، کریستین، *ساواک*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱ش، ص ۲۲۰) جان استمیل (استاد ارشد دانشکده دیپلماسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه کنتاکی ایالات متحده آمریکا)، تعداد آنها را تا ژوئیه ۱۹۷۸، ۵۴ هزار نفر آورده



و بی‌خاصیت و حتی مخرب و مزاحم خود در ایران ایجاد کرد و وقاحت در نادیده گرفتن کشور را به حدی رساند که مصوبه‌ای شبه‌کاپیتولاسیونی با عنوان الحاقیه پیمان وین^۱ بر ملت ایران توسط حکومت پهلوی تحمیل

است. (استمپل، جان دی، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸ش، ص ۲۰۹ و ۲۰۲) جیمز بیل (استاد دانشگاه تگزاس و کارشناس مسائل ایران)، تعداد آمریکایی‌ها را در پایان سال ۱۹۷۷ حدود ۵۰ هزار نفر بیان کرده است. (بیل، جیمز، *شیر و عقاب*، ترجمه فروزنده جهان‌شاهی، تهران، نشر فاخره، ص ۳۴۰) مایکل لدین و ویلیام لوئیس، تعداد کارکنان نظامی و غیرنظامی آمریکایی و خانواده‌های آنها را در آستانه‌ی انقلاب، متجاوز از ۴۵ هزار نفر شمرده‌اند. (مایکل لدین و ویلیام لوئیس و دیگران، *اعترافات شاه مخلوع*، ترجمه منوچهر مهرجو، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۲ش، ص ۷۹) سولیوان، تعداد آمریکایی‌ها را در آغاز سال ۱۹۷۸ نزدیک به ۳۵ هزار نفر گفته است. (سولیوان، ویلیام و آنتونی پارسونز، *خاطرات دو سفیر، اسراری از سقوط شاه و نقش انگلیس و آمریکا در ایران*، ترجمه محمود طلوعی، تهران، نشر علم، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ش، ص ۱۹۱)

۱. الحاقیه پیمان وین (مصوب مهرماه ۱۳۴۳ در ایران) با کاپیتولاسیون (capitulation) متفاوت بود اما به دلیل اینکه عملاً اجرای قرارداد کاپیتولاسیون بود، در ایران به کاپیتولاسیون شهرت یافت. طبق این مصوبه رئیس و اعضای هیأت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین ([اصطلاح (مأمور اداری و فنی) یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که به امور



کرد که تمام مستشاران آمریکایی را با مصونیت قضایی در ایران مواجه می‌ساخت که با خشم مردم ایران و برخورد تند امام خمینی رضوان‌الله علیه مواجه گردید.

آمریکایی‌ها بارها در ایران، دکترین‌های خود را در راستای منافع‌شان در منطقه و جهان به اجرا در آورده بودند. دکترین‌های ترومن، آیزنهاور،

اداری و فنی مأموریت اشتغال دارند.) می‌باشد که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق ۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است، برخوردار شدند.

طبق این الحاقیه، تمام مستشاران نظامی، تحت عنوان هیأت سیاسی و دیپلماتیک، شامل تمام مصونیت‌ها و حمایت‌های دیپلماتیک کنوانسیون وین شدند درحالی‌که این امر فقط به هیأت‌های سیاسی محدودی که از دولت خود حقوق می‌گرفتند بود و نه چندهزار نیروی آمریکایی و خانواده و همراهانشان. (ر.ک: احيایی، زینب، *مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ش.)

۱. دکترین، نوعی از جهانی‌بینی است که برنامه‌های سیاسی بر اساس آن بنیان گرفته باشد. یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد. همچنین به تنظیم اصولی که بر طبق آن، دولت‌ها مشی خود را به ویژه در روابط بین‌الملل تعیین می‌کنند، دکترین اطلاق می‌گردد. در نهایت می‌توان گفت که مجموعه استراتژی‌های اعلامی دولت‌ها در قلمرو اجرایی در بخش روابط خارجی و بین‌المللی دکترین آنها است. در دکترین، اصول و عقاید با عمل توأم است.



کندی، جانسون، نیکسون و کارتر، ایران را به جولانگاه سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی آمریکا تبدیل کرده بود. مثلاً سیاست دو ستون و دکترین نیکسون از ایران و عربستان می‌خواست تا حافظ منافع ایالات متحده در منطقه فوق حساس خلیج فارس و فراتر از آن باشند که این امر بجای تقویت کشور، مایه تحقیر مضاعف و شرمساری ملت بود. ایران در دوران حکومت پهلوی دوم، به عنوان ژاندارم منطقه به رونق کارخانه‌های تسلیحاتی آمریکا مشغول بود و با پول و ثروت خود و به‌صورت خودخواسته، مستشاران نظامی سطحی و فرصت‌طلب را بر امور کشور مسلط کرده بود.^۲

۱. ر.ک: وحیدی راد، میکائیل و محمدعلی اکبری، جایگاه ایران در دکترین روسای جمهور آمریکا (از جنگ جهانی دوم تا آغاز دهه ۱۳۵۰)، مجله تاریخ ایران، دوره ۷، شماره ۱ - فروردین ۱۳۹۳، شماره پیاپی ۱۵، ص ۱۳۵ تا ۱۷۴.

۲. سیهید برزین جانشین فرمانده نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی در خاطرات خود گفته است: بعضی از مستشارهایی که در این مرحله می‌آمدند، از نقطه نظر [کیفیت] و آگاهی به تخصص شان، زیاد جلوتر از شاگردان و متخصصان خودمان، که از خارج آمده بودند، نبودند. این‌ها این‌جا زندگی خیلی راحتی هم داشتند و درگیری هم هنوز شروع نشده بود؛ ولی بعد از سه، چهار سال که گذشت، این گروه یواش یواش از کار تخصصی و از صورت مستشاری خارج شدند. این‌ها آمده بودند و کارخانجاتی می‌آوردند و معرفی می‌کردند، در صورتی که بار اول این کارها را نمی‌کردند. کارخانجات را معرفی و توصیه‌های غلط می‌کردند. ... ن روزها چیزی در حدود شش، هفت هزار تومان به افسرهای مستشاری می‌دادند. هفت هزار تومان



آن روز خیلی خوب بود. این ها باغ داشتند، مستخدم داشتند، راننده داشتند، ورزش های اشرافی می کردند؛ گلف و تنیس و اسکی و این ها. اشکال بزرگی که به وجود آمد، این بود که وقتی این امتیازات به آن ها داده شد، این ها خودشان را یک نژاد برتر دانستند و بعد هم دیگر کارهایشان یک کمی باعث ناراحتی پرسنل شده بود. دیگر همه چیز را زیر پا گذاشتند. به هر حال این ها در آن دوران خیلی دلالی می کردند؛ ولی خب، نمی توانستند آزاد این کار را بکنند. ... مستشارها در ایران با یک گروه خاصی تماس داشتند. این گروه خاص، گروه افسرانی بود که ضعف هایی در کارشان داشتند، بنابراین خودشان را به آمریکایی ها می چسبانده. این ها بالطبع گروه را به دو قسمت کردند، یک قسمت می گفتند که به اصطلاح ضد آمریکایی هستند و یک عده را هم می گفتند که این ها موافق آمریکا هستند. این گروه ضعیف فقط با این [گروه موافق آمریکا] رفت و آمد می کردند، گروه بعد به تدریج رفت جزو لیست سیاه، یعنی مستشار جدیدی که می آمد، به او توصیه می شد با کدام یک از پرسنل تماس بگیرد و با کدام یک تماس نگیرد. لیست سیاه و سفید درست کرده بودند. حالا اگر این لیست سفید و سیاه فقط برای خودشان بود اشکال نداشت ولی بعد در انتخاب فرمانده ها دخالت کردند. هر کسی در لیست سیاه بود، نمی آمد جلو. در لیست سیاه می ماند. بالطبع افسرانی که مثلاً با کج روی ها مبارزه می کردند، همه در لیست سیاه قرار داشتند و خب دیدیم که آخر سر هم یواش یواش دخالت آن قدر شدید شده بود که سماجت می کردند که این باید سر این کار برود و آن باید سر آن کار.

[سیکورد(رئیس مستشاری آمریکا)] قرارداد موشک هاگ را آورد دفتر من. ربیعی هم نبود. گفت: این قرارداد باید امضا بشود. گفت اگر امضا نشود، پنجاه درصد می آید روی قیمت. گفت کمپانی گفته اگر امروز این را امضا نکنی، پنجاه درصد می رود روی قیمت. گفتیم صددرصد هم برود روی قیمت، مادامی که مطالعه نشود، امضایش نمی کنیم. نه من امضا می



طبیعی بود که این حجم از منافع گسترده در ایران که در سایه ذلت حکومت‌های وقت به دست آمده و در پی انقلاب اسلامی ایران، بساط این سفره گسترده جمع شده بود، با رفتار قهری و توطئه‌های مکرر آمریکایی‌ها پاسخ داده شود.

آمریکایی‌ها که اکنون با کشوری مواجه بودند که نه تنها دوران سواری دادن را به پایان رسانده بود، بلکه الگوی سایر کشورها شده و مانع بزرگی برای خاورمیانه جدید بود، از همان ابتدای پیروزی انقلاب در توطئه‌های سیاه و خونبار متعددی آمریت و یا مشارکت داشتند.

پس از گرفتن سفارت آمریکا در ایران طبق اسناد به دست آمده مشخص گردید که نیروهای آمریکایی به جاسوسی گسترده از مقامات و دستگاه‌های ایران مشغول هستند.^۱ آمریکایی‌ها در سال ۱۳۵۹ش کودتای

کنم و نه هیچ کس دیگر. برگشت گفت که اگر امضا نمی‌کنی، من بروم آن اتاق امضا بگیرم. خیلی وقیح بود این افسر...

مستشارهایی هم که آن‌ها آورده بودند، مثل سیکورد، این‌ها در داد و ستد خیلی وقیحانه عمل می‌کردند، فکر هم می‌کردند که دیر می‌شود و دیگر باید کارهایشان را بکنند... این کارها به گوش شاه مملکت هم می‌رسید ولی کوچک‌ترین عکس‌العملی نشان نمی‌داد.» (ر.ک):

دهباشی، حسین، کتاب فرماندهی و نافرمانی خاطرات سپهبد خلبان شاپور آذربزین)

۱. ر.ک: بی‌نام، *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، گردآوری: دانشجویان پیرو خط امام، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶ش.



نوزه^۱ را در ایران طراحی و سازماندهی کردند که با لو رفتن آن و اقدام سریع نیروهای انقلاب خنثی شد و گرنه حتی در صورت شکست، خونریزی سنگینی در پی داشت.

۱. کودتای نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) که بعدها به دلیل مرکزیت عملیات در پایگاه هوایی شهید نوزه همدان به نام کودتای نوزه معروف شد، طرحی برای سرنگونی نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی ایران بود. قرار بود در آغاز عملیات، محل سکونت امام خمینی در جماران تهران بمباران شود. حمله به برج مراقبت فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب و بمباران چند نقطه دیگر از اهداف بعدی کودتاجیان به شمار می‌رفت. بنا بود پس از بمباران هوایی، هواپیماها با شکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت بدهند که مرحله دوم کودتا را آغاز کند.

در این مرحله باید صداوسیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، پادگان حر، پادگان قصر و پادگان جمشیدیه به تسخیر نیروهای کودتا درآید و در سطح شهر تهران با اعمال خشونت و ارباب حالت نظامی ایجاد شود. بازگشت بختیار آخرین حلقه اهداف این کودتای شکست ورده بود. به دلایل مختلف در نوزدهم تیرماه ۱۳۵۹ این کودتا لو رفت و با واکنش سریع نیروهای کمیته و سپاه، عوامل آن غافلگیر و دستگیر شدند. حدود ۶۰۰ نفر در رابطه با این کودتا در سراسر ایران دستگیر شدند که ۵۰۰ نفر از آن‌ها نیروهای نظامی بودند. پنج نفر از سران کودتا که در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه شده و به مرگ محکوم شدند عبارت بودند از آیت محقق (ژنرال و یکی از طراحان اصلی)، بیژن ایران‌نژاد، فرخزاد جهانگیری، محمد مالک و یوسف پوررضایی.

سرهنگ محمدباقر بنی عامری که مدعی است رهبری کودتای نقاب (نوزه) را برعهده داشته در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) خاطرات خود را در انتشارات ساپرا لندن منتشر کرد. بنی عامری در این



آمریکایی‌ها همواره با حمایت از سازمان مجاهدین خلق و سایر گروه‌های برانداز، در به شهادت رساندن ۱۷۰۰۰ انسان بی‌گناه، از جمله قتل رئیس جمهور، نخست‌وزیر، رئیس دیوان عالی کشور (قوه قضائیه)، همکاری جاسوسی و عملیاتی با حزب بعث عراق و... بحران‌های فراوانی برای کشور رقم زدند. اسناد و مدارک فاش شده از ارتباط آمریکا با من، نشان از حمایت آمریکا از ترورهای منافقین دارد. همچنین آمریکا در سال ۲۰۱۲ گروه تروریستی منافقین را از لیست سیاه خارج کرد.^۱

آمریکایی‌ها با تحریک صدام برای تحمیل جنگی هشت ساله، خونبار و ویرانگر علیه ایران از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ضربات غیر قابل جبرانی به

کتاب درباره ابعاد مختلف کودتای موسوم به نقاب جزئیات مهمی را ارائه کرده است. وی در این کتاب از ملاقات یک افسر اطلاعاتی آمریکا و مشورت او با وی در رابطه با طرح‌ریزی یک عملیات گسترده نظامی در ایران و سرنگونی نظام ج.ا.ا، سخن می‌گوید. ر.ک: بنی عامری، محمدباقر، نقاب، قیام ۱۸ تیر نقاب، کودتای نوژه، لندن، انتشارات ساپرا، ۲۰۱۵م (۱۳۹۴ش)، ر.ک: نیرنجی، علی اکبر، مهدی عابدی و هادی همتیان، بررسی دلایل حمایت ایالات متحده از گروهک منافقین پس از ۲۰۰۳، مه‌ار جمهوری اسلامی ایران بر مبنای راهبرد آشوب سازنده، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۱۰، شهریور ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۳۹،



کشور ایران زدند.^۱ آمریکا و حامیانش بیش از ۶۰ میلیارد دلار به صدام کمک مالی کردند. آمریکا در طول جنگ از طریق هواپیماهای آواکس و ماهواره‌ها به عراق اطلاعات می‌داد.

اما تمام مداخلات و جنایات آمریکا در جنگ ایران و عراق در مقابل کمک آمریکا و متحدانش به تولید و حل بحران بین‌المللی عراق در استفاده مکرر، گسترده و البته غیرقانونی و جنایت‌کارانه از سلاح‌های میکروبی و شیمیایی بر علیه نظامیان و مردم ایران و حتی ملت عراق که حاضر به همکاری با سیاست‌های رژیم بعث نشده بودند، ناچیز شمرده می‌شود. ده‌ها شرکت آلمانی، فرانسوی، بریتانیایی و آمریکایی، مواد اولیه و تجهیزات تولید انواع سلاح‌های میکروبی و شیمیایی پیچیده را در اختیار رژیم بعث عراق برای استفاده بر علیه ایران قرار دادند. پس از آنکه بارها در مقابل افکار عمومی جهان، کشورها و اعضای سازمان ملل متحد مجبور به واکنش‌های نمایشی و شعاری شدند، آمریکا حتی بیانیه

۱. بی‌نام، نقش آمریکا و تشویق و تحریک عراق به آغاز جنگ تحمیلی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۵ مهر ۱۴۰۱، <https://psri.ir/?id=vrkvezshr1> و قربانی، مهدی، نقش آمریکا در تحریک رژیم بعث عراق در اشغال جزایر سه گانه در دوران جنگ تحمیلی، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۶، بهار ۱۳۹۹، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱، ص ۱۱۳ تا ۱۳۱.



بی‌خاصیت شورای امنیت در این رابطه را تاب نیاورد و آن را وتو کرد.^۱ پس از این اقدام آمریکا، رژیم بعث عراق، در جنایتی غیر قابل توصیف شهرهای حلبچه عراق و سردشت ایران را به صورت گسترده مورد حمله شیمیایی قرار داد و قتل‌عامی بزرگ از مردم غیرنظامی و کودکان به جای گذاشت. پس از این اتفاق نیز صدام مورد حمایت جدی آمریکایی‌ها قرار گرفت و کمک‌های نظامی و اطلاعاتی به آن ادامه یافت.

در سال ۱۳۶۶ آمریکا با حمله به سکوهای نفتی ایران که در حال جنگ با عراق بود، به تضعیف شدید ایران پرداخت. آمریکا در ۱۲ تیرماه سال ۱۳۶۷ هواپیمای مسافربری ایرباس ایران را بر فراز خلیج فارس سرنگون کرد و ۲۹۰ مسافر آن را به قتل رساند.

آمریکا هرگز در توسعه تحریم‌های خود بر علیه ایران آرام و قرار نداشت. آنها چند دهه است که ملت ایران را در فشار و بحران اقتصادی نگه داشته و به بهانه‌های واهی سعی در عذاب دادن مردم و بلوکه کردن دارایی‌های کشور داشته و در این راه سایر دولت‌ها و شرکت‌ها را مجبور به همراهی می‌کنند. آمریکا تنها در سال ۱۳۷۵ش با فشار بر اتحادیه اروپا و ژاپن برای قطع روابط اقتصادی با ایران مشکلات زیادی برای کشور ایجاد کرد.

۱. عراق در طول جنگ تحمیلی بارها مناطق نظامی و غیر نظامی را بمباران کرد. ????



در سال‌های متمادی کنگره آمریکا رسماً برای سرنگونی ج.ا.ا به صورت رسمی بودجه تصویب کرده است. سال ۲۰۰۷، ۶۶ میلیون دلار، سال ۲۰۰۹، ۱۰ میلیون دلار، سال ۲۰۱۰، ۷۵ میلیون دلار و سال ۲۰۱۱، ۲۵ میلیون دلار.

در اعتراضات و اغتشاشات سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، آمریکا تمام قد از این اعتراضات حمایت کرد. در اردیبهشت ۱۳۹۷ تحریم دارویی بیماران خاص را علیه ایران اجرایی کرد که در نتیجه بیش از ۱۰۰۰ بیمار دچار مرگ تدریجی شدند.

ایالات متحده بزرگ‌ترین حامی رژیم جعلی اسرائیل است که اگر صهیونیسم بین‌الملل، محور مقاومت را در مقابل خود نمی‌دید تاکنون جهان اسلام و منطقه خاورمیانه را بلعیده بود.^۱

آمریکایی‌ها غیر از فعالیت‌های گسترده رسانه‌ای غیر مستقیم بر علیه ایران با راه‌اندازی رادیو فردا، رادیو زمانه، و شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی برای براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران هرگز عملیات سیاه‌نمایی و تخریب افکار ملت ایران را رها نکردند. آنها علاوه بر بلاهای مستقیم جانی و فلج کردن اقتصاد ایران، با بمباران رسانه‌ای آسایش فکری و

۱. رک: بی‌نام، سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳ ش.



اعصاب ملت ایران را رها نمی‌کنند و مکرر برای این ملت، تشویش‌های اعتقادی و سیاسی می‌سازند.

آمریکایی‌ها (خصوصاً صهیونیست‌های آمریکایی) در حوزه رسانه‌ای، پرچمدار فساد و ابتذال جوامع و تغییر سبک زندگی در جوامع مختلف هستند و بزرگ‌ترین کمپانی‌های پورنوگرافی در آمریکا فعالیت می‌کنند.^۱ و بالاخره اینکه آمریکایی‌ها به صورت رسمی و دولتی در زمستان ۱۳۹۸، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی (فرمانده نیروی قدس سپاه) را، به دستور مستقیم رئیس جمهور آمریکا به قتل رساندند. آمریکا امروز در تمام کشورهای منطقه به جز ایران پایگاه‌های گسترده نظامی دارد. این‌ها گوشه‌ای از رفتارهای ایالات متحده آمریکا بر علیه ما است.

۴. برخلاف تصویری که از نظام جمهوری اسلامی ایران در قربانی کردن منافع مردم به پای استکبارستیزی ساخته‌اند، بارها جمهوری اسلامی

۱. پورنوگرافی (شهوانگاری) تجسمی بی‌پرده از مسائل جنسی با هدف تحریک یا ارضای جنسی است که در قالب‌های مختلف از جمله کتاب، فیلم و مجله ارائه می‌شود. بزرگ‌ترین کمپانی‌های تولید فیلم‌های پورن در آمریکا قرار دارند که با تولید انبوه فیلم‌های جنسی درآمد نجومی در سراسر جهان دارند. از جمله این شرکت‌ها می‌توان به استودیوهای فالکن، گروه کولت، بنگ بروز، پلی بوی (مجله و تلوزیون)، ترژر آیلند مدیا، دیجیتال پلی گراوند، ریالتی کینگز، شان کودی، کاکای بویز، کوربین فیشر، کینک. کام، لوکاس انترتینمنت، من. کام، ناتلی آمریکا، ویکسن، ویوید انترتینمنت و هاسلر اشاره کرد.



ایران، در توافقات دوجانبه مانند بیانیه الجزایر^۱ و چندجانبه مانند برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۲، به حل و فصل مناسبات خود با آمریکا پرداخته است. اما در تمامی این موارد ایران بر اساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی به طور کامل به تعهدات خود عمل کرده است^۳ اما آمریکا با

۱. بیانیه‌های الجزایر (به انگلیسی: Algiers Accords) قراردادی است که با میانجیگری کشور الجزایر، میان نمایندگان ایران و ایالات متحده آمریکا در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ به امضا رسید و به بحران تصرف سفارت آمریکا در تهران پایان داد.

۲. برجام مخفف شده‌ی عبارت سیاسی «برنامه‌ی جامع اقدام مشترک» است، معادل انگلیسی آن (Join Comprehensive Plan Of Action) یا بصورت مختصر JCPOA، یک توافق بین‌المللی بین کشورهای گروه ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان) و ایران است، که در تاریخ ۱۴ June در سال ۲۰۱۵، در شهر وین در اتریش برای حل بحران برنامه هسته‌ای ایران، صورت پذیرفت. برای رسیدن به این توافق، برای اولین بار پس از انقلاب ۵۷، وزرای خارجه ایران و آمریکا با یکدیگر به صورت مستقیم و رسمی مذاکره کردند.

۳. آمانو: ایران به تعهدات خود در قالب برجام عمل کرده است، سایت دیپلماسی ایرانی،

<https://bzn.ir/q۴۵۰۵۹>، کد خبر؛ ۱۹۶۳۲۸۵، ۱۳۹۵/۶/۳۱ ش.

رئیس جمهور وقت، دکتر حسن روحانی: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سال ۹۴ تا امروز، ۱۴ نوبت تأیید کرده که ایران به تمام تعهدات خود عمل کرده است و ۵ کشور در تمام جلسات بعد از خروج آمریکا اعتراف کردند که ایران از همه منافع برجام نمی‌تواند استفاده کند. پس عدم توازن را همه قبول دارند.» روحانی، حسن، رئیس جمهور در جلسه هیات دولت: امروز یک تصمیم راهبردی و مهم ملی را اعلام می‌کنیم، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری،

۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸، شناسه خبر: ۱۰۹۵۸۷، <https://president.ir/fa/۱۰۹۵۸۷>



استفاده از قدرت و شرایط خاص خود، به راحتی زیر توافق زده است^۱ و البته این امر اختصاص به ایران ندارد و آمریکا با همان خاصیت استکباری و امپریالیستی طبق منافع خود از سایر توافقات و قراردادهای مانند پیمان آسمان‌های باز، توافق پاریس، سازمان جهانی بهداشت و... خارج شده است.^۲

در توافق برجام که محصول ماه‌ها و بلکه سال‌ها مذاکرات فشرده میان مقامات جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا، آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه و چین بود و با اجماع همه طرف‌ها امضا و اجرا شد، ایران به تمام تعهدات خود عمل نمود اما آمریکا بعد از مدتی یک‌طرفه زیر میز زد و خسارات اقتصادی و به تبع آن سیاسی سنگینی به کشور وارد ساخت و با خوی استکباری خود، به طرف‌های اروپایی هم اعلام کرد که اگر با

۱. در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۸، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام خروج رسمی از برجام را به ثمر رساند. او به ایران اتهام همدستی و حمایت از سازمان‌های تروریستی مثل حزب‌الله، طالبان، القاعده و... را زد و اعلام کرد که تحریم‌های ایران مانند گذشته باز خواهد گشت. پس از آن تحریم‌های سنگین‌تری نسبت به پیش از برجام به تحریم‌های قبلی اضافه گردید.

۲. شکوهی‌نسب، حسن، خروج سریالی آمریکا از پیمان‌های بین‌المللی، ۱۵ خرداد ۱۳۹۹، کد



ما همکاری کنید، چند ماه دیگر راجع به حکومت جدید ایران تصمیم می‌گیریم.^۱

۴. الگوی سیاسی آمریکا، طلبکاری در عین بدهکاری است. آنها ایران را محور شرارت^۲ معرفی می‌کنند. اما مشخصاً ایران محور مقاومت در مقابل زورگویی و غارت‌گری آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه و جهان اسلام است.

۱. رهبر انقلاب در مهر ماه ۹۷: «اخیراً شنیدم که رئیس‌جمهور آمریکا به بعضی از سران اروپایی گفته که شما دو سه ماه صبر کنید، بعد از دو سه ماه کلک جمهوری اسلامی کنده خواهد شد. به اینها این جور گفته!» خامنه‌ای، علی، *بیانات در همایش ده‌هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی*، سایت خامنه‌ای. آی آر، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۷/۱۲، <https://khl.ink/f/۴۰۶۴۵>، دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت: «فکر می‌کردند اگر یک تحریم حداکثری را بر ایران طراحی و اجرا کنند - پیش‌بینی آنها چند ماه بیشتر نبود - می‌گفتند با این فشار حداکثری ایران ۳، ۴ ماه بیشتر نمی‌تواند مقاومت کند و تسلیم می‌شود»؛ روحانی، حسن، دکتر روحانی در نشست خبری با خبرنگاران داخلی و بین‌المللی، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۲۷ بهمن ۱۳۹۸، شناسه خبر: ۱۱۳۸۵۵، <https://president.ir/fa/۱۱۳۸۵۵>

۲. محور شرارت (Axis of Evil) اصطلاحی است که جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ در سخنرانی سالیانه خود در کنگره ایالات متحده آمریکا در اشاره به سه کشور ایران، کره شمالی و عراق به عنوان دولت‌هایی که حامی تروریسم بوده یا بدنبال سلاح‌های کشتار جمعی بودند، به کار گرفت. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۹ بهمن ۱۳۸۲.



نتیجه

آمریکاستیزی عنوانی غیرواقعی و تا حدودی انحرافی در مشی سلطه‌ناپذیری ملت ایران بوده و اصطلاح صحیح آن استکبارستیزی است که در هر زمان و زمانه‌ای مصداق آن متغیر است. لذا نباید مفهوم بنیانی و تعیین‌کننده استکبارستیزی را در سطح لجبازی و تخاصم با یک کشور تقلیل داد.

آمریکا نه تنها برای ایران، بلکه برای سایر کشورها، بزرگ‌ترین نماد استکبار است که باید به قیمت جان و مال جامعه جهانی، ثروتمند و قوی بماند. اصولاً آمریکا در تفسیر و تعیین قانون و حسن و قبح افعال در صحنه بین‌المللی، خودکامه و ظالم است.

برخلاف تصورات ایجادشده، ایران بارها با رعایت مصلحت و منافع مردم کشور تا جایی که کشور ذلیل نشود، زیر بار قلدری آمریکا مانند توافق برجام رفته است اما آنها بودند که زیر این توافق و بسیاری از معاهدات و توافقات بین‌المللی زده‌اند.

کلمات کلیدی

آمریکا، استکبار، استکبارستیزی، رابطه ایران و آمریکا.



۲. دوری از استکبار یا لج بازی

پرسش:

می‌خواهید در مقابل اهداف استکباری کوتاه نیایم و اجازه موفقیت به آن ندهیم. اصلاً سوال اینجا است که "شبيه استکبار نشدن" چه موهبتی دارد؟ یعنی "شبيه ما شدن" خوب است؟ این استکبارِ غلط و فاسد شما، مقصد و بهشت مهاجرت است و این جهان اسلامی که باید در مقابل او مقاومت کند، مبدأ مهاجرت که همه از آن می‌گریزند! بهتر نیست بجای بدگویی از غرب استکباری، شبیه همان مستکبران شویم؟ چرا گرفتار لج‌بازی با غرب هستید؟

پاسخ:

مقدمه

اینگونه به نظر می‌رسد که نوع نگاه ما به غرب، همراه با یک لج‌اجت بی‌مبنا است درحالی‌که در بسیاری از موارد، کشورهای اسلامی وضعیت بسیار غیرقابل قبولی نسبت به دنیای غرب دارند. نشان به آن نشان که مثلاً مردم دنیا به جای اینکه شیفته مهاجرت به کشورهای اسلامی باشند، شیفته زندگی در دنیای غرب هستند. اما با نادیده گرفتن این واقعیت که غرب، دنیایی متفاوت، مترقی و متمدن است، صرفاً با سیاه‌نمایی و عیب‌جویی با غرب برخورد می‌شود. آیا اینگونه نیست؟ در پاسخ به این مسئله باید گفت:



مفهوم استکبارستیزی با مفهوم غرب‌ستیزی متفاوت است. استکبارستیزی یعنی اجازه خودبرتربینی و دخالت بیجا به قدرت‌ها ندادن. فرقی هم ندارد که آن قدرت یا قدرت‌های سلطه‌جو و متکبر، غربی هستند یا شرقی. اما غرب‌ستیزی یعنی مخالفت و عناد با هر آنچه غربی و محصول غرب است،

در واقع برخی غرب‌گریز و غرب‌ستیز و برخی غرب‌زده و تحت‌تاثیر مطلق و وادادهٔ غرب و مفاهیم غربی هستند. الگوی مورد تایید نظام جمهوری اسلامی، هیچکدام از این دو الگو نیست. بلکه غرب به‌مانند سایر نواحی عالم، دارای نقاط ضعف و قوت کوچک و بزرگی است. مخالفت نظام جمهوری اسلامی با غرب، مخالفت با سیاست‌های استعماری، استثماری و استکباری آن، مخالفت با ترویج فحشا و مفسد اخلاقی، اسلام‌هراسی و دین‌ستیزی و سکولاریسم و سایر مفاهیم ضد بشری و ضد دینی آن است. اما از باب موفقیت‌های علمی و تکنولوژی و داشتن برخی از صفات مثبت سیاسی و فرهنگی، نه تنها مخالفتی وجود ندارد، بلکه اگر این مفاهیم، مخالف شرع مقدس اسلام نباشد، به‌عنوان الگو و دست‌آورد بشری و سیره عقلا^۱ از آن در کشور ما استفاده می‌شود.

۱. سیره عقلا به روشی گفته می‌شود که برخاسته از فطرت و عقل متعارف است و در میان مردم رواج یافته و مورد قبول آنان بوده است. وجود این سیره برخلاف سیره متشرعه (روش



مثلا در قانون اساسی ج.ا.ا که توسط مجلسی با اکثریت مجتهدین و علمای اسلامی نوشته شده است، برای مقابله با فساد و اجرای عدالت سیاسی که مورد نظر اسلام است، از تفکیک قوای متسکیوی^۱ فرانسوی استفاده شده است.^۲ به همین دلیل امام خمینی جمهوری اسلامی را به جای حکومت اسلامی برای نظام مطلوب سیاسی منبعث از انقلاب مطرح کرد.^۳ یا مثلا در نکات مثبت فرهنگی در غرب، قانونمندی و نظم برخی از کشورهای غربی و شرقی برای ما بایستی الگو باشد.

عملی مسلمین در عصر معصوم با تأیید وی)، به مجرد اثبات جریان داشتن کار یا رفتاری نزد عقلای عالم اثبات می‌شود و در صورتی معتبر است که دلیل شرعی برخلافش نباشد.

۱. شارل- لوئی دو سکوندا، بارون دو لا برد و دو مونتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵م)، یکی از اندیشمندان سیاسی فرانسه در عصر روشنگری بود. وی سفرهای بسیاری به کشورهای جهان داشت و یکی از آثار مشهور وی کتاب روح‌القوانین است.

۲. اصل تفکیک قوا، تحت تأثیر نظریه مونتسکیو، نخستین بار در سال ۱۷۸۷ م در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا وارد شد و طبق آن، قوه مجریه به رئیس جمهور و قوه مقننه به مجلس نمایندگان (کنگره) واگذار گردید. در واقع طبق این اصل یک قوه نباید هم قانون‌گذار و هم مجری و هم ضابط باشد و باید قوای چندگانه به این امور مشغول باشند.

۳. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ



پس اینگونه نیست که غرب در منظر ما یک منطقه سیاه و ممنوعه باشد که هرگونه نزدیکی به آن موجب پلشتی، فساد، محکومیت و استکبارطلبی است.

اما از این مطلب هم نباید غفلت کرد که جوامع غربی برای رشد و ترقی، دستشان به خون میلیون‌ها انسان بیگناه آغشته بوده و هست. بخش عظیمی از عالم، خصوصاً کشورهای متمدن و مذهبی، تحت استثمار و استعمار غربی‌ها، دهه‌ها طعم تلخ غارت و تجاوز و گرسنگی و مرگ را چشیده‌اند و هرگز از دخالت مستقیم و شوم آنان و ایجاد فتنه‌های پی در پی‌شان در امان نبوده‌اند.

غربی‌ها از حامیان جدی رژیم تروریستی و رژیم جعلی اسرائیل بوده‌اند و نه تنها چشم بر جنایات آنان پوشیدند؛ بلکه همواره از ماهیت آن به دلیل نفوذ لابی‌های قدرتمند صهیونیستی دفاع جدی کرده‌اند.

از طرفی متأسفانه عقب‌ماندگی و به عبارت بهتر، عقب‌نگه داشته شدن و غارت کشورهای اسلامی توسط غربی‌ها در چند قرن اخیر موجب شده است که الگوی تمدنی جوامع اسلامی دچار آسیب‌های فراوانی باشد که انقلاب اسلامی ایران با شکستن این سایه سنگین غرب که خود را الگویی برتر در همه زمینه‌ها معرفی می‌کند، در پی احیای تمدن اسلامی و زدودن مفساد غرب است که با دشمنی و کارشکنی گسترده آنان روبه‌رو بوده



است که مبدا سایر ممالک مظلوم و مرعوب تحت تاثیر الگوی آن به قیام و مخالفت با ابرقدرت‌ها برخیزند.

نتیجه

دشمنی ما با غرب با مفاسد آن است و نه ترقیات آن. اگر ما از غرب بد می‌گوییم، این دول مستکبر غربی هستند که در عمل ما را رها نمی‌کنند و با دست‌اندازی به ثروت‌های مادی و معنوی ما و سایر کشورهای مظلوم آنها را در همه زمینه‌ها عقب‌نگه داشته‌اند و با دخالت در امور سیاسی، مذهبی و اخلاقی سایر جوامع در پی مهندسی جهانی مورد نظر خود و سرکوب جریان‌های مقاومت هستند.

منابع بیشتر برای مطالعه

- مهرابی کوشکی، راضیه، *علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام‌خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰ش.
- مطهری، مرتضی، *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ش.
- آل احمد، جلال، *غریب‌دگی*، تهران، نشر وزرا، ۱۳۹۶ش.

کلمات کلیدی

استکبار، غرب، غرب‌ستیزی، جهان اسلام



۳. هزینه تنش با اسرائیل

پرسش:

چرا با تنش با اسرائیل این همه هزینه برای کشور می‌سازیم؟ کم‌ترین آسیب این مسئله، حذف شدن ورزشکاران و نابودی عمر ورزشی آنان در کنار کشیدن در مسابقه با ورزشکاران اسرائیلی و اثر سوء آن بر مردم در اسرائیل‌ستیزی است. اصلاً مگر ورزش سیاسی است؟ حتی امروزه اعراب نیز با اسرائیل کنار آمده‌اند و ما کاسه داغ‌تر از آش شده‌ایم.

پاسخ:

مقدمه

اسرائیل در یک منطقه جغرافیایی در غرب آسیا محدود نشده است و لابی‌های صهیونیستی، قدرتمندترین لابی‌های جهانی هستند. صهیونیسم بین‌المللی از سیاستمداران مشهور آمریکایی و اروپایی تا کمپانی‌های اثرگذار و قدرتمند جهانی را در اختیار دارد و از این طریق دامنه قدرت و وسیعی برای آسیب زدن به ما دارد. برخی معتقد هستند که اسرائیل‌ستیزی ج.ا.ا، آورده‌ای جز خطر و آسیب ندارد و به جای اسرائیل، این ما هستیم که همیشه در منطقه تهدید باقی خواهیم ماند. از طرفی حذف کردن اسرائیل از جامعه جهانی ممکن نیست و ما با به رسمیت نشناختن اسرائیل و ترک میدان‌های مشترک، عملاً خودمان از عرصه حذف می‌شویم. غیر



از اینکه جهان اسلام کم‌کم به این نتیجه رسیده است که با اسرائیل کنار بیاید.

با این مقدمه وارد متن پاسخ می‌شویم.

۱. اسرائیل دولتی است که مفهوم ملت و سرزمین را با خونریزی گسترده مسلمین با ادعای مضحک سرزمین موعود جعل کرده است. هرگونه برنامه مشترک رسمی و بین‌المللی با این رژیم، به معنای به رسمیت شناختن آن است. به عبارت دیگر نمی‌توان با اسرائیل وارد مسابقه رسمی ملی در مجامع بین‌المللی شد و این کشور را به رسمیت شناخت. این امر به معنای به رسمیت شناختن این دولت و نادیده گرفتن جنایتی غیر قابل اغماض بر علیه جهان اسلام است. بنا بر این سیاست جمهوری اسلامی، عدم کوتاه آمدن در شناسایی اسرائیل به عنوان کشوری مستقل است.

۲. در راه و برای رسیدن به هدفی مقدس، باید هزینه‌ها را تحمل کرد. ما نه با یک دولت، بلکه با تفکر و مکتبی متجاوز، نژادپرست و خونخوار مواجه هستیم که برای رسیدن به اهداف خود از جاری ساختن سیل خون در گذشته و آینده هیچ قید و محدودیتی نداشته و ندارد. یک ورزشکار هم بین مسئله شخصی با مسئله ملی، باید مسئله ملی را در اولویت قرار

۱. رک: عقل، عبدالسلام، کتاب سیاه: جنایات اسرائیل در قرن بیستم، تهران، مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱ش.



دهد؛ چراکه وی به پشتوانه همین دولت و ملت در میادین بین‌المللی فرصت عرض اندام یافته است و بزرگ‌ترین میدان برای قهرمانی او سربلندی و اقتدار کشور او است.

۳. اتفاقا بارها و بارها دولت‌های استکباری اثبات کرده‌اند که نه تنها خلاف شعارشان، ورزش امری سیاسی است، بلکه ملت ما را نیز بارها در تحریم‌های ورزشی قرار داده‌اند. روسیه به دلیل جنگ با اوکراین از تمام رقابت‌های مهم بین‌المللی مانند جام جهانی کشتی و جام جهانی فوتبال کنار گذاشته شد.^۱ بلاروس هم در همین رابطه با تحریم ورزشی مواجه گردید. درحالی‌که جنگ‌های مکرر آمریکا و هم‌پیمانانش در سراسر جهان هرگز با کوچک‌ترین مسئله‌ای در مسابقات بین‌المللی مواجه نگردید. آفریقای جنوبی از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۲ میلادی به دلیل شکل‌گیری نظام آپارتایدی از المپیک اخراج شد، اما رژیم اسرائیل با اینکه بارها از سوی کشورهای متعدد و سازمان‌های بین‌المللی به این جنایت و نسل‌کشی محکوم شده بود هرگز طعم تحریم سیاسی در ورزش را نچشید. افغانستان، به دلیل روی کار آمدن طالبان از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ م از المپیک کنار گذاشته شد.

۱. دادگاه عالی ورزش تحریم ورزشی روسی را تایید کرد. خبرگزاری ایسنا، ۲۵ اسفند



آنها در این رویکرد با استاندارد دوگانه خود با افتخار پیش می‌روند و ما باید از یک ترک رقابت عادی احساس خجالت و ضعف کنیم!^۱

۴. مسئله ما در ماجرای اسرائیل، فراتر از مسئله فلسطین و حتی دولت اسرائیل است، مسئله ما مهار دشمنی قسم‌خورده، متجاوز و غارتگر به نام صهیونیسم است که نماد آن دولت جعلی اسرائیل است. این ما نیستیم که باید صهیونیست‌ها را رها کنیم بلکه این صهیونیست‌ها هستند که بیش از صد سال است که قتل و غارت و انواع تهاجم به مسلمانان را رها نمی‌کنند. بر پرچم اسرائیل دو نوار آبی به معنای مالکیت صهیونیست‌ها بر سرزمین‌های میان نیل تا فرات است.^۱ ماهیت این تفکر، تجاوز و اشغال است که اگر توسط ما و سایر نیروهای مقاومت محدود نشده بود، جنایات و فجایع بزرگ‌تری را رقم زده بود.

۵. موضوع اسرائیل برای ما دفاع از جهان عرب نیست که با صلح اعراب کاسه داغ‌تر از آتش باشیم، بلکه دفاع از جهان اسلام است. اعراب می‌توانند به میزانی که در سایر دستورات الهی و انسانی مقاومت دارند، در این مورد مقاومت کنند یا در دامن استکبار و متجاوزان به جوامع اسلامی بیفتند. اما جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه و توانمندی عظیمی که از

^۱. رک: موسوی مطلق، سیدعلی، بلوای صهیون، از نیل تا هامون: به ضمیمه ناگفته‌های حضور اسرائیل در جنگ عراق، تهران، انتشارات تا ظهور، ۱۳۸۵ش.



جاناب دولت و ملت دارا است، تا زمانیکه بتواند، تن به چنین ننگ و خیانتی به جهان اسلام نمی‌دهد.

۶. سایر کشورهای اسلامی یا عربی هم در پرتو رعب ناشی از مقاومت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها و گروه‌های محور مقاومت مانند لبنان، عراق، سوریه، یمن و ... از شر چنگال اسرائیل در امان مانده‌اند و گرنه طبق سیاست‌های متجاوزانه اسرائیلی تا به حال بارها بلعیده شده بودند. اگر اسرائیل از تهدید بخش قدرتمندی از جهان اسلام (ایران و متحدانش) آسوده شود، آتش و کاسه‌ای برای سازشکاران باقی نخواهد گذاشت تا با آن عیار صلح و کنار آمدن را بتوانند بسنجند.

۷. فعلا آنکه در حال حذف شدن به دلیل مقاومت ما است، دولت جعلی اسرائیل است که با حمایت ایران از محور مقاومت مجبور به عقب‌نشینی گسترده‌ای از سرزمین‌های اشغالی در لبنان و ... شده است. در حالیکه سودای اشغال نیل تا فرات را داشت. اگر ما در مقابل اسرائیل ناموفق بوده و در حال حذف شدن هستیم، چرا اسرائیل در هر فرصتی برای نشان دادن خطر ایران برای خود و دیگران فروگذار نمی‌کند و بارها به ایران به‌عنوان تهدیدی برای اصل موجودیت خود اشاره می‌کند؟



۸. شیوه مبارزه با اسرائیل، وحی منزل نیست. قطعا طبق قاعده‌های قدر مقدور و میسور^۱ ما تا زمانی که ممکن است، هزینه‌های مبارزه با استکبار و تجاوز را تحمل می‌کنیم. نه اینکه به صورت غیر عقلانی و غیر شرعی، به قیمت سقوط خودمان به این مبارزه ادامه بدهیم. ضمن اینکه در شیوه مبارزه با اسرائیل هم باید عقلانی عمل کرد.

نتیجه

مسئله ما با اسرائیل یک تنش دو طرفه نیست بلکه دشمنی و تجاوزگری اسرائیل با ما و کل جهان اسلام است. این صهیونیست‌ها هستند که دست از سر جهان اسلام بر نمی‌دارند. ما نمی‌توانیم در هیچ مناسبت بین‌المللی چنین رژیم‌هایی را به رسمیت بشناسیم و به رسمیت شناختن چنین رژیم‌هایی به معنای پذیرش یک رژیم جعلی و متخاصم است. اسرائیل ایران را همیشه به عنوان تهدیدی جدی بر علیه موجودیت خود بر شمرده و می‌شمرد و تبلیغات سنگینی برای وارونه جلوه دادن این حقیقت در ایران با کمک همدستانش انجام داده است.

۱. اصل "قدر مقدور" یا قاعده میسور؛ به زبان ساده به معنای در نظر گرفتن واقعیت‌ها در رسیدن به خواسته‌ها است. همیشه نمی‌توان به همه چیز دست یافت و بر کامل بودن مطالبات و تحقق عینیات پای فشاری کرد. مفهوم قدر مقدور در مورد میزان عینیت‌پذیری و حاکمیت یافتن اصول، باورها و قوانین یا میزان توانایی در رفع و مقابله با مفسد و ناهنجاریها به کار می‌رود.



کلمات کلیدی

اسرائیل، ایران، استکبارستیزی، جهان اسلام



۴. استکبار ستیزی و راهپیمایی

پرسش:

وظیفه ما در حوزه استکبارستیزی چیست؟ آیا شرکت در راهپیمایی و شعار دادن کافی است؟

پاسخ:

مقدمه

انسان در ادای تکالیف فردی و اجتماعی ابتدا باید از نحوه و شیوه ادای تکلیف خود، آگاه و مطمئن گردد تا بتواند به انجام و ادای صحیح آن موفق شود. اگر فردی گام برداشتن در حوزه استکبارستیزی و مقابله با استکبار را یک تکلیف و وظیفه شرعی، میهنی و انسانی بداند، با شناخت صحیح توانمندی‌های خود و شیوه‌های صحیح بروز آن توانمندی‌ها می‌تواند در این رابطه موفقیت بیشتری کسب کند.

با بیان این مقدمه به اصل پاسخ می‌پردازیم.

ابتدا هر فرد با هر توانی باید از آسیب‌های استکبارستیزی که در سوال پیشین به آن پاسخ داده شد پرهیز کند؛ اما طبیعتاً هر کس در حوزه استکبارستیزی بضاعت متفاوتی دارد و نمی‌توان در این زمینه برای همگان یک نسخه واحد پیچید. برخی توان عملی و عملیاتی دارند و در قالب مدافعان حرم یا عامل نظامی و اطلاعاتی در حال مبارزه با نقشه‌های مستکبرانه دنیا در منطقه ما هستند. برخی توان رسانه‌ای داشته و در حوزه



فیلم و سریال و مستند و ... در این جبهه می‌جنگند و برخی به دلیل داشتن دانش و توانمندی علمی به بسط آگاهی جوامع در این رابطه می‌پردازند.

اما برخی از مصادیق قوی در استکبارستیزی، عمومی است. کافی است این مطلب را در نظر بگیریم که هر زمان در جهت خلاف و در راستای خنثی کردن هر آنچه که هدف استکبار است قدم بر داریم، در جبهه مقابله با استکبار در حال عملیات و رزمندگی خواهیم بود. برخی تصور می‌کنند در رابطه با مردم عادی، مصادیق استکبارستیزی در برگزاری تجمع و راهپیمایی و تهیه و توزیع عکس و بنر و سر دادن چند شعار به اتمام می‌رسد. درحالیکه بزرگ‌ترین مصداق استکبارستیزی، خنثی کردن اثر و مانع شدن در مقابل اهداف مستکبران است. اما گام اول در این مسیر، شناخت مستکبران است.

۱. شناخت مصادیق استکبار

برای مبارزه با استکبار باید در شناخت مصادیق، آگاهانه و عاقلانه عمل کرد. اگر استکبار را قدرت‌های سلطه‌جوی جهانی بدانیم که در پی مداخله در سرنوشت ملت‌ها در راستای منافع و مطامع خود هستند، بزرگ‌ترین مصادیق آن ایالات متحده آمریکا، دولت صهیونیستی و شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی صهیونیستی هستند که در



راستای جهانی شدن غرب اعمال می‌کنند. البته این مصادیق، در هر دورانی متفاوت و متغیر هستند و نقشه‌ها و برنامه‌های آنان نیز در هر دورانی متفاوت است. گاهی استکبار، برای دخالت در سرنوشت ما، نیروی نظامی برای تهاجم آشکار پیاده می‌کند و گاهی در قالب دفاع از ما، از تفکرهای مورد نظر خود دفاع می‌کند و رذائل اخلاقی و فکری را به شدت ترویج و بزرگ می‌کند.

۲. خودباوری

خصوصیت اصلی استکبار خودبرتربینی است. کسی که می‌خواهد ظالمانه خود را بالاتر ببیند و دیگران را نادیده بگیرد، محکوم به تحقیر و تخفیف دیگران است. یکی از بزرگ‌ترین ابزار استکبار، ایجاد یک حس ترس، حقارت و کاهش اعتماد به نفس در سایر جوامع است. از طرق گوناگون و با شیوه‌های مختلف به تمامی جوامع اعلام می‌کند که معیار برتری، شبیه معیارهای من شدن و رقابت بر سر آن است. مسابقه‌های عظیم و دیدنی بین‌المللی ترتیب می‌دهد، جوایز بزرگ اعطا می‌کند. از بیرون، مفاهیم موفقیت، خوشبختی و سعادت را به ملت‌ها تحمیل می‌کند و کاری خواهد کرد که در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... سایر جوامع احساس کنند که همیشه چند قدم از آنان عقب هستند. حتی مکاتب و

۱. جهانبینی مستکبران، تحمیل زندگی و سبک غربی و لیبرال دموکراسی مورد نظر خود در تقابل با جهانبینی شیعیان در خدامحوری و امت واحد است.



تمدن‌های بزرگ و کهن، در مقابل آنان احساس تحقیر کنند. مرد و زن عقیف، احساس عقب‌ماندگی و خفگی کنند و زن لاقید، احساس رهایی و ترقی داشته باشد.

۳. قوی شدن

زورگویی و سلطه‌طلبی تنها با اتکا به قدرت یک طرف و ضعف طرف مقابل امکان‌پذیر است. هر چقدر طرف مقابل ضعیف‌تر باشد، تجاوز و سیطره بر او امکان‌پذیرتر و کم‌هزینه‌تر است. یکی از اهداف مستکبرین، مقابله با قدرت‌یابی تشیع و جلوگیری از نفوذ آنان در جهان است.^۱ هر چقدر در مسیر رشد فردی و اجتماعی و قوی شدن خود و کشور گام برداریم، دایره و میدان استکبارستیزی را بزرگ‌تر و عرصه را بر مستکبران تنگ‌تر ساخته‌ایم.

۴. استحکام در اعتقادات

هویت مومنانه به قدری دارای جاذبه و اثر است که یکی از توطئه‌های پیچیده و گسترده استکباری، پروژه بی‌اعتقادیسازی و تهاجم به افکار و اعتقادات در تمامی باورهای شیعی و اسلامی و انقلابی است.

۱. فهیمی، زهرا و عباس کشاورز شکری، جریان صهیونیستی غرب در مقابل فرهنگ تشیع، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۴.



اسلام‌هراسی،^۱ ایجاد و ترویج فرقه‌های انحرافی و ضاله مانند بهائیت،^۲ تحقیر و تمسخر شعائر و تقیدات مذهبی و... از جمله روش‌های

۱. اسلام‌هراسی (Islamophobia) یا اسلام‌ستیزی، اصطلاحی سیاسی مربوط به دوران معاصر به معنای ایجاد نوعی تصور ذهنی منفی و هراس‌انگیز نسبت به اسلام و مسلمانان به عنوان یک تهدید در ذهن مردم جهان است.

۲. بهائیت فرقه‌ای مذهبی منشعب از آیین بابیه است که در قرن سیزدهم قمری توسط میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاء‌الله پدید آمد. میرزا حسینعلی از پیروان علی‌محمد باب بود که پس از درگذشت باب، فرقه بهائیت را پایه‌گذاری کرد. پس از بهاء‌الله، پسرش عباس افندی معروف به عبدالبهاء و سپس شوقی افندی، نوه دختری عبدالبهاء رهبری بهائیت را به عهده گرفتند. پس از شوقی، در جانشینی او اختلاف شد و بهائیان به گروه‌های مختلفی همچون بهائیان بیت‌العدل و بهائیان ارتدوکسی تقسیم شدند. امروزه رهبری بهائیان در دست بیت‌العدل اعظم است.

بهائیان، بهاء‌الله را پیامبر و بهائیت را دین جدیدی می‌دانند که دین اسلام را نسخ کرده است. بهاء‌الله بر این باور است که قیامت مسلمانان با آمدن باب برپا شده و با مرگ او پایان یافته است. همچنین قیامت بابیان با ظهور بهاء‌الله برپا و با مرگش به پایان می‌رسد. بهائیان مناسکی مانند نماز، روزه، حج و حدود را با کیفیتی متفاوت از مسلمانان به‌جا می‌آورند. بیت‌العدل مهم‌ترین مرکز بهائیان و مرجع همه امور آنها است. این مرکز در کوه کربل در حیفای سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل واقع شده و اعضای آن توسط محافل ملی، رابط جامعه بهائی هر کشور با بیت‌العدل، انتخاب می‌شوند. خانه علی‌محمد باب در شیراز، خانه بهاء‌الله در بغداد، باغ رضوان (محل ادعای مظهریت بهاء‌الله)، مقام اعلی (مقبره باب در کوه کربل) و روضه مبارکه (مقبره حسینعلی نوری در عکا) از اماکن مقدس بهائیان به‌شمار می‌روند. همچنین عید نوروز و سالروز درگذشت و تولد باب و بهاء‌الله از اعیاد بهائیان است.



استکباری در تهی کردن نیروهای مومن از پشتوانه قدرتمند اعتقادی و تزلزل در باورهای مکتبی آنان است. طبیعتاً هر چقدر در راستای تقویت و ترویج باورهای صحیح مذهبی بکوشیم، بزرگ‌ترین مانع را برای توسعه میدان استکبار ایجاد کرده‌ایم. این باورهای مومنانه است که نیروهای فداکار، آگاه و مصمم می‌سازد و چنین نیرویی، سد بزرگی برای طرف مقابل محسوب می‌گردد.

۵. تقویت و استحکام در باورهای سیاسی

جهانبینی و تفکر افراد در حوزه سیاسی، تاثیر جدی و عمیقی در اتخاذ رویکردها و کنش‌گری آنان در این حوزه‌ها دارد. فردی که بازی استکبار و شیوه نقش‌آفرینی آن در مناسبات قدرت را بلد است، به سادگی به

به باور مسلمانان، بهائیت فرقه‌ای ضاله و خارج از اسلام است. مراجع تقلید شیعه، اعتقاد به بهائیت را کفر و بهائیان را نجس و کافر محارب شمرده‌اند. بیش از ۴۰۰ کتاب و مقاله در نقد بهائیت نوشته شده است. برخی از این کتاب‌ها را عبدالحسین آیتی از بهائیان برگشته از آیین بهائی؛ نوشته است. ادعای الوهیت، نبوت و موعودیت بهاء‌الله مخالف باورهای اسلامی است و نوعی بت‌پرستی و خودپرستی شمرده شده است. تناقض باورهای بهائی، اختلاف فراوان میان آنان و تکفیر بزرگان فرقه همدیگر از نقدهای بر به بهائیت است. از دیدگاه منتقدان، بهائیت یک حزب و فرقه سیاسی است که کشورهای روسیه، انگلیس، اسرائیل و آمریکا از آن حمایت می‌کنند. رک: حاج قلی، احمد و دیگران، *فرقه‌های انحرافی: شیخیه، بابیه و بهائیت*، قم، حوزه علمیه، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ دوم، ۱۳۹۵ش.



فریب توطئه‌ها و تله‌های فراهم شده توسط استکبار، گرفتار نمی‌شود. به طور مثال، یکی از بزرگ‌ترین موانع پیاده شدن نقشه‌های استکباری در منطقه، پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و به تبع آن اثرگذاری بر سایر ممالک اسلامی بود. قطعاً تا زمانیکه مردم نه تنها به دلیل، مواهب، ظرفیت‌ها و توفیقات این انقلاب تردید پیدا نکنند، بلکه از همه چیز آن ناامید و متنفر نشوند، انقلاب و نهضت اسلامی مردم ایران را رها نخواهد کرد. حالا وقتی ما می‌دانیم که برنامه استکبار این است که کشور پساانقلابی ما برای نسل جدید و سایر کشورهای دنیا، تبدیل به درس عبرتی بشود که کسی هوس استکبارستیزی نداشته باشد، نوع کنش‌گری ما متفاوت خواهد بود. وقتی بازی‌های سیاسی دشمن را بشناسیم، میزان هوشیاری و دقت ما متفاوت خواهد بود.

۶. ترویج سبک زندگی مومنانه

یکی از اهداف جدی، ویرانگر و مهلک استکبار که بر اجرای آن اصرار و پافشاری فزاینده‌ای دارد، تغییر سبک زندگی ملت‌های جهان به خصوص ملت‌های مسلمان و به ویژه ملت ایران است. بمباران اخلاقی آنها بدون وقعه ادامه دارد و عادی‌سازی مظاهر گناه و فساد، ترویج بی‌بند و باری و فرو ریختن مظاهر دینی و مذهبی، هرگز از دستور کار آنها خارج نخواهد شد. استکبار می‌داند که با ترویج بی‌بند و باری و فحشا به راحتی می‌توان جوامع را به اسارت گرفت و مطیع سیاست‌های



خود ساخت. پس هر قدمی که در ترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی بر می‌داریم در جبهه استکبارستیزی می‌جنگیم.

۷. اتحاد عاقلانه

جوامع اسلامی و حتی مذاهب مختلف، همیشه در درون خود اختلافاتی داشتند که مستکبران به این مهم پی بردند که بایستی اینان را به جان هم انداخت و به جای جنگ با مذهب، جنگ مذهب با مذهب^۱ را در دستور کار قرار داد. ایجاد فرقه‌هایی مانند وهابیت، بهائیت و تشکیل یا تقویت گروه‌هایی مانند داعش، النصره، بوکوحرام، القاعده و... در این راستا است. دامن زدن به اختلافات مذهبی و مسلمین را برای خونریزی مسلح کردن از سیاست‌های استکباری است. وقتی اختلاف بین مسلمانان زیاد شود، ضعف شدیدی بر آنان حاکم خواهد شد و زمینه برای دخالت بیگانگان فراهم می‌گردد. جهان اسلام، ثروت، نیروی انسانی، موقعیت و منابع غیر قابل تصویری دارد که ابرقدرت‌ها به خوبی می‌دانند که اگر این جوامع با یکدیگر متحد و همدل شوند، به هیچ احدی اجازه سلطه‌جویی و ظلم بر

۱. این جمله از چرچیل (سیاست‌مدار مشهور انگلیسی) نقل شده است که: «دایره‌ای را تصور کنید که خروسی در میان آن قرار گرفته. حالا بدون آنکه خروس از دایره خارج شود، سعی کنید آن را بگیرید. نمی‌شود؟ حالا خروس دیگری به خروس اول اضافه کنید. می‌بینید که هر دو مشغول جنگیدن می‌شوند. حالا می‌توانید از گردن دو خروس بگیرید و بلندشان کنید».



هیچ مسلمانی را نخواهند داد. اما می‌بینیم که خون و دود و آتش از منطقه ما خارج نمی‌شود و همیشه رد پای مستکبران در ایجاد، تشدید و تداوم این بحران‌ها مشهود و قابل ردیابی است.

۸. تاب‌آوری اجتماعی

همیشه مستکبران در پی این بودند که هزینه استکبارستیزی را برای استکبارستیزان به شدت سنگین کنند. به‌طور مثال بعد از ملی شدن صنعت نفت، انگلستان به عنوان ابرقدرت زمان خود، ایران را در تابستان ۱۳۳۰ یعنی دو سال پیش از سرنگونی دولت ملی، تحریم اقتصادی کرد. آمریکا که در ظاهر خود را دوست دولت ملی نشان می‌داد و در آن ایام قدرت اول شدن در دنیا را مشق می‌کرد، با انگلیس در این تحریم‌های سخت همراهی کرد. پس از این، ایران دیگر نتوانست نفت خود را بفروشد و حتی کشتی‌هایی مانند ایتالیا که از ایران نفت می‌خریدند در کشورهایمانند عدن که مستعمره انگلستان بودند، توقیف و مصادره می‌شدند.^۱ نتیجه این شد که ملتی که تصور می‌کرد با ملی شدن صنعت نفت و خارج کردن آن از چنگال استکبار قلدر (بریتانیای کبیر)، به ثروت بزرگی دست خواهد یافت، حالا با تاریکی سایه فقر مضاعف و بحران اقتصادی رو به رو شده بود. همین مسئله، موجب ایجاد زمینه برای انحراف در نهضت

۱. ر.ک: نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران،



مردم و یأس و کنار کشیدن آنان گردید. اینجا بهترین زمینه برای زمین زدن نهضت ضد استکباری ملت ایران که فقط انحصار در مسئله نفت نداشت، کاملاً فراهم شد.

علاوه بر مسئله تاب‌آوری فردی باید به هر شکل به تقویت روحیه استکبارستیزان و افزایش تاب‌آوری اجتماعی پرداخت.

نتیجه

وقتی انسان، تکلیف اجتماعی خود در حوزه استکبارستیزی را به‌خوبی بشناسد، به جای اتلاف وقت و رویکردهای فرسایشی و کم‌اثر و گرفتار شدن در امور روبنایی به کنش موثر، کارآمد و زیربنایی خواهد پرداخت. وقتی خود و جامعه را نسبت به ضرورت استکبارستیزی آگاه کنیم، به‌جای آنکه پاسخ‌گوی این مقاومت ضروری باشیم، به آن افتخار می‌کنیم و آن را یک فرصت می‌پنداریم و نه تهدید. این کنش کارآمد و موثر، در حرکت در جهت خلاف خواسته‌های استکبار مانند ایجاد بی‌تعادلی و بحران‌های اعتقادی و رفتاری در سایر جوامع رخ می‌دهد.

کلمات کلیدی

استکبارستیزی، آمریکا، صهیونیسم، ایران، تکلیف سیاسی



کتابنامه

۱. احيایي، زينب، مستشاران آمريكايي در ايران به روايت اسناد، تهران، انتشارات مركز اسناد انقلاب اسلامي، ۱۳۸۲ش.
۲. استمپل، جان دي، درون انقلاب ايران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگي رسا، ۱۳۷۸ش.
۳. آمريكا چگونه به يك ابرقدرت جهاني تبديل شد؟
<https://usfacts.ir/۱۳۹۷/۰۷>
۴. بني عامري، محمداقبر، نقاب، قيام ۱۸ تير نقاب، کودتای نوژه، لندن، انتشارات ساپرا، ۲۰۱۵م (۱۳۹۴ش).
۵. بيل، جيمز، شير و عقاب، ترجمه فروزنده جهان‌شاهی، تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱ش.
۶. بی‌نام، اسناد لانه جاسوسی آمريكا، گردآوری: دانشجویان پيرو خط امام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سياسي، ۱۳۸۶ش.
۷. بی‌نام، سازمان‌های يهودی و صهيونيستی در ايران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سياسي، ۱۳۸۳ش.
۸. بی‌نام، نقش آمريكا و تشويق و تحريك عراق به آغاز جنگ تحميلي، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سياسي، ۱۵ مهر ۱۴۰۱،

<https://psri.ir/?id=۳rk۶ezsh۳۱>



۹. حاج قلی، احمد و دیگران، *فرقه‌های انحرافی: شیخیه، بابیه و بهائیت*، قم، حوزه علمیه، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. خمینی، روح‌الله، *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. داریوش آشوری، *دانشنامه سیاسی*، تهران، نشر مروارید، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. دکتر محمدحسن سالمی، *تاریخ نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران از نگاهی دیگر*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. دلانوا، کریستین، *ساواک*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. دهباشی، حسین، *کتاب فرماندهی و نافرمانی خاطرات سپهبد خلبان شاپور آذربزین*، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳ ش.
۱۵. سولیوان، ویلیام و آنتونی پارسونز، *خاطرات دو سفیر، اسراری از سقوط شاه و نقش انگلیس و آمریکا در ایران*، ترجمه محمود طلوعی، تهران، نشر علم، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ش.
۱۶. عقل، عبدالسلام، *کتاب سیاه: جنایات اسرائیل در قرن بیستم*، تهران، مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. علی حائری، *روزشمار شمسی*، قم، انتشارات دفتر عقل، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.



۱۸. غلامرضا وطن‌دوست، *اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد و براندازی دکتر مصدق*، با مقدمه دکتر همایون کاتوزیان، تهران، انتشارات رسا
۱۹. فهیمی، زهرا و عباس کشاورز شکری، *جریان صهیونیستی غرب در مقابل فرهنگ تشیع*، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷.
۲۰. قربانی، مهدی، *نقش آمریکا در تحریک رژیم بعث عراق در اشغال جزایر سه گانه در دوران جنگ تحمیلی*، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۶، بهار ۱۳۹۹، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱.
۲۱. مایکل لدین ویلیام لویس و دیگران، *اعترافات شاه مخلوع*، ترجمه منوچهر مهرجو، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۲ش.
۲۲. منیر العکش، *نسل‌کشی سرخ‌پوستان آمریکا یا حق قربانی کردن دیگران*، ترجمه حسن خامه‌یار، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵ش.
۲۳. موسوی مطلق، سیدعلی، *بلوای صهیون، از نیل تا هامون: به ضمیمه ناگفته‌های حضور اسرائیل در جنگ عراق، تهران، انتشارات تا ظهور*، ۱۳۸۵ش.
۲۴. نجاتی، غلامرضا، *جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۶۶ش.



۲۵. نیرنجی، علی اکبر، مهدی عابدی و هادی همتیان، بررسی دلایل حمایت ایالات متحده از گروهک منافقین پس از ۲۰۰۳، مهار جمهوری اسلامی ایران بر مبنای راهبرد آشوب سازنده، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۱۰، شهریور ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۳۹.

۲۶. هایزر، رابرت، *مأموریت در تهران*، ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵ ش.

۲۷. وحیدی راد، میکائیل و محمدعلی اکبری، جایگاه ایران در دکترین روسای جمهور آمریکا (از جنگ جهانی دوم تا آغاز دهه ۱۳۵۰)، مجله تاریخ ایران، دوره ۷، شماره ۱ - فروردین ۱۳۹۳، شماره پیاپی ۱۵.

۲۸. یرواند آبراهامیان، *کودتا (۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن)*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۴۰۰ ش و مارک گازیوروسکی و مالکوم برن، *مصدق و کودتا*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، انتشارات قصیده‌سرا، ۱۳۸۴ ش.

۲۹. یولیالوویز انگدال، *بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی (چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان ۲)*، ترجمه شهربانو صارمی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۹ ش.

سراج (سایت)

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، <https://president.ir/fa>



۲. پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۲۷ بهمن ۱۳۹۸،
<https://president.ir/fa>
۳. خبرگزاری ایسنا، ۲۵ اسفند ۱۴۰۰، کد خبر: ۲۵/۱۲/۱۴۰۰، ۲۰۰۰۳،
isna.ir/xdLj۳X
۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۹ بهمن ۱۳۸۲.
۵. سایت خامنه‌ای. آی آر، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی
 خامنه‌ای، ۱۲/۷/۱۳۹۷ش، <https://khl.ink/f/۴۰۶۴۵>
۶. سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۴/۸/۱۳۷۶ش،
<https://khl.ink/f/۹۹۴۵>
۷. شکوهی نسب، حسن، خروج سریالی آمریکای از پیمان‌های بین‌المللی،
 ۱۵ خرداد ۱۳۹۹، کد خبر: ۸۳۸۰۸۶۶۰،
<https://irna.ir/xjynKQ>
۸. سایت دیپلماسی ایرانی، ۳۱/۶/۱۳۹۵ش، کد خبر: ۱۹۶۳۲۸۵،
<https://b۲n.ir/q۶۵۰۵۹>



اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کننده‌ها جوان‌ها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

عبدالله